

اقتصاد مقاومتی

به عنوان یک اندیشه اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۴

تاریخ تأیید: ۹۵/۴/۱۸

محمدجواد توکلی* / امید ایزانلو*

چکیده

تفسیرهای متفاوتی از ماهیت اقتصاد مقاومتی در پیشینه رو به رشد آن شده است. یکی از نقاط ضعف این تفسیرها، عدم تمرکز بر مفهوم محوری در اقتصاد مقاومتی و همچنین عدم تبیین وجه اسلامیت آن است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، ماهیت اقتصاد مقاومتی در رویکرد اسلامی بررسی می‌شود. فرضیه تحقیق آن است که اقتصاد مقاومتی در بررسی چگونگی ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی در کنار رشد اقتصادی و عدالت، از رهیافت‌های اسلامی در تعیین آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، رتبه‌بندی آنها و همچنین راهبردهای ایمن‌ساز بهره می‌برد. نتایج نشان می‌دهد که تحلیل اقتصاد مقاومتی از آسیب‌های اقتصادی درونی/بیرونی، رفتاری/ساختاری و کلان/بخشی متفاوت از آسیب‌شناسی ارائه شده در پیشینه اقتصاد تاب‌آوری است. راهبردهای اقتصاد مقاومتی جهت مقابله با این آسیب‌ها نیز متمایز از راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی است. توجه به آسیب‌های نظام مالی

* استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (tavakoli@iki.ac.ir)

* دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

ربوبی، فرهنگ مصرف‌گرایی و نظام تأمین اجتماعی متمرکز از جمله مختصات اقتصاد مقاومتی است. تأمین مالی مشارکتی، فرهنگ مصرف اعتدالی و نظام تأمین اجتماعی غیر متمرکز نیز از جمله راهبردهای ایمن‌ساز برخاسته از اندیشه‌های اسلامی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد تاب‌آوری، آسیب‌پذیری اقتصادی، اقتصاد اسلامی و اندیشه اسلامی.

طبقه بندی JEL: Z19 Z12

۱. مقدمه

نظام‌های اقتصادی کم و بیش سه هدف رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را دنبال می‌کنند. در نظام سرمایه‌داری رشد اقتصادی هدف اصلی و دو هدف دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند. در نظام‌های سوسیالیستی، هدف محوری عدالت و سایر اهداف شکلی تبعی دارند. نظام‌های مختلط به صورت هم‌زمان به دو هدف رشد و عدالت توجه می‌کنند (روسر و روسر^۱، ۲۰۰۴؛ هورویچ^۲، ۲۰۰۶، ص ۱۱). در این میان پژوهشگران نظام‌های اقتصادی به اهمیت ثبات اقتصادی توجه چندانی نشان نداده‌اند.

توجه به امنیت و ثبات اقتصادی در پیشینه اقتصادی با مطالعات مرتبط با بحران‌های اقتصادی پیوند می‌خورد. هنگامی که در اقتصاد کلان از ادوار تجاری^۳ سخن به میان می‌آید، به این نکته توجه می‌شود که وجود نوسان‌های اقتصادی در تولید کیک اقتصاد مخرب است. اینکه اقتصاد گاهی در اوج است و گاهی سقوط می‌کند، نه تنها باعث ایجاد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود؛ بلکه روند رو به رشد اقتصاد کشورها را مختل می‌نماید.

1. Rosser and Rosser.
2. Horwich.
3. Business cycles.

شکل‌گیری پیشینه اقتصاد تاب‌آوری^۱ در اقتصاد متعارف را می‌توان ناشی از توجه اقتصاددانان به اهمیت امنیت و ثبات اقتصادی در کنار رشد و عدالت اقتصادی دانست. توجه به امنیت اقتصادی تنها محدود به مباحث متعارف ثبات اقتصادی^۲ در اقتصاد کلان نیست؛ بلکه حاوی نگاه‌های جدید به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی و اهمیت پایداری نظام‌های اقتصادی در مقابل شوک‌های اقتصادی پیش‌رو است.^۳

نکته مهم در تحلیل امنیت و ثبات اقتصادی، چگونگی تعریف آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی ایمن‌ساز است. هنگامی که آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی از دیدگاه اقتصاد متعارف صورت می‌گیرد، ادبیات «اقتصاد تاب‌آوری» به وجود می‌آید. در مقابل، زمانی که آسیب‌پذیری از نقطه‌نظر اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد و راه‌حل‌های برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، ادبیات «اقتصاد مقاومتی»^۴ شکل می‌گیرد. حال باید دید که از دیدگاه اقتصاد مقاومتی، چه عواملی باعث آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شوند و چگونه می‌توان از این آسیب‌پذیری کاست.

در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از روش تحلیلی، مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان مفهومی برخاسته از اندیشه اقتصاد اسلامی تبیین شود. برای این منظور، ابتدا پس از بررسی پیشینه، ضرورت و اهمیت اقتصاد مقاومتی بررسی می‌شود. در ادامه برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی نقد و ارزیابی

1. Resilience Economics.

2. Economic Stability.

۳. در مباحث ثبات اقتصادی در اقتصاد کلان به طور متعارف به مسئله ثبات در نرخ رشد و عدم نوسان در نرخ‌های بیکاری و تورم توجه می‌شود. در پیشینه اقتصاد تاب‌آوری افزون بر این امور چگونگی آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها از شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی تحلیل می‌شود.

4. Moqavemah Economics.

می‌گردد و مفهوم مورد پذیرش از اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود و در پایان رابطه اقتصاد مقاومتی با مفاهیم مشابه در اقتصاد اسلامی بررسی می‌گردد.

۲. پیشینه موضوع

پس از ارائه اندیشه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری تلاش‌هایی جهت تبیین این اندیشه صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: سیف (۱۳۹۱) با استفاده از اصطلاح فنریت اقتصادی، مفهوم اقتصاد مقاومتی را تبیین و به ارائه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های رشد، عدالت، ثبات و فنریت اقتصادی و راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب پرداخته است.

میرمعزی (۱۳۹۱) درصدد ارائه تفسیری روشن از دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی است. به نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که به هنگام مواجهه با تهدید اقتصادی دشمن دو تغییر عمده می‌یابد: الف. در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی، استقلال اقتصادی که در ضمن هدف امنیت اقتصادی قرار دارد، در اولویت اول قرار می‌گیرد و به تبع آن اولویت‌بندی اصول راهبردی نظام تغییر می‌کند و سیاست‌های کلی متناسب با تغییرهای جدید، تنظیم می‌شود؛ ب. جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولان به عنوان امر واجب فرض می‌شود و از این راه بستر مناسب برای نتیجه‌بخشی سیاست‌های کلی استقلال اقتصادی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم می‌آید. به اعتقاد ایشان عنصر اصلی و ممتاز اقتصاد مقاومتی جهاد اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که اگر این عنصر تحقق نیابد دیگر سیاست‌ها به صورت مطلوب تحقق نیافته یا نتیجه‌بخش نخواهد شد.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، در

تلاش برای تدوین نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی هستند. بر اساس نتایج، اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که فضای اقتصادی کشور با فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود.

«اقتصاد مقاومتی» بنیانی نظری برای مدل سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده کرده است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آنها را تسریع کرد.

حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲) پس از طرح چند مقدمه، مفهوم اقتصاد مقاومتی را تبیین می‌کند. وی می‌نویسد: اگر بخواهم تعریفی دانشگاهی از واژه اقتصاد مقاومتی داشته باشم، بدون اینکه بخواهم آن را به رهبری منتسب کنم، عرض می‌کنم که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه جانبه‌نگر است. در دیدگاه وی مفهوم اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصادی متفاوت است و خاستگاه اقتصاد مقاومتی تحریم‌های اقتصادی دشمن نیست؛ بلکه سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و بلندپروازی‌های واقع‌بینانه مندرج در آن است.

سیفلو (۱۳۹۳الف) در تلاش است که با استفاده از توسعه مفهومی جنگ و دفاع، مفهوم جنگ و دفاع اقتصادی را تشریح کند و بر مبنای یک تحقیق کیفی و تحلیل منطقی این مفاهیم، چارچوبی تحلیلی و نظری جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی فراهم نماید. در نهایت، در پی پاسخ به سؤال اصلی در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی، به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد

مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی است. افزون بر اثبات این فرضیه، نتایج این تحقیق الگویی عملیاتی است که مبتنی بر جنگ اقتصادی و دفاع غیرعامل اقتصادی جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی طراحی و ارائه شده است. در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های قبلی، تحلیل عمیق‌تری از مفهوم اقتصاد مقاومتی در چارچوب گفتمان مقام معظم رهبری ارائه شود.

سیفلو (۱۳۹۳ب) اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک راهبرد اقتصادی معرفی می‌کند که نخست، به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست؛ دوم، یک راهبرد مقطعی و کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه راهبردی کلان و بلندمدت می‌باشد که قرار است اقتصاد کشور بر آن تکیه کند؛ سوم، این راهبرد مقاوم‌سازی به معنای انفعالی و کوتاه‌مدت اقتصاد نیز نیست. این راهبرد زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصادی است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رود و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز در برگیرد.

اسدی (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی را محصول اقتصاد اسلامی می‌داند. وی مقاومت را عمل یا عکس‌العمل مناسب برای مقابله در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران‌ها یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف تعریف می‌کند؛ لذا اقتصاد مقاومتی، آن است که در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. در دیدگاه وی اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را هم‌زمان دارد.

نعیم‌آبادی (۱۳۹۳) در چهار فصل به بررسی و کنکاش شکر به عنوان شناخت سرمایه‌ها و بهره‌وری اولین گام در اقتصاد مقاومتی، احسان به عنوان

کلید مقاوم‌سازی اقتصاد و قناعت برای زندگی گوارا و همچنین آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی پرداخته است.

پیغامی (۱۳۹۴) موضوعاتی مانند مفهوم اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری، رابطه اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی، تبیین دانشگاهی ابعاد اقتصاد مقاومتی، راهکار عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی، الزامات نظریه‌پردازی در اقتصاد مقاومتی، تبیین حماسه اقتصادی، مردمی کردن اقتصاد، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش اقتصاد تعاونی و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی، جایگاه مبارزه سیستمی علیه فساد و رانت در حمایت از تولید ملی، مدیریت ارز در اقتصاد مقاومتی، اثر اجرای اقتصاد مقاومتی در عبور از تحریم، عملیات روانی و رسانه‌ای، بهترین ابزار در اقتصاد، طرح هدفمندی یارانه‌ها در اقتصاد ایران و اقتصاد مستضعفان و پابرهنگان را بررسی و تبیین کرده است.

پیغامی و همکاران (۱۳۹۴) موضوع مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف را بررسی کرده‌اند. آنها در تلاش برای تبیین مفاهیم دارای قرابت با اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد متعارف هستند. این کتاب شامل تألیف، ترجمه، تحشیه و تلخیص نه گزارش، مقاله و بخش‌هایی منتخب از برخی کتب با موضوع تاب‌آوری و آسیب‌پذیری است.

در این آثار هرچند برخی از ابعاد اقتصاد مقاومتی کنکاش شده ولی تصور روشنی از ماهیت اسلامی آن ارائه نشده است. البته در این میان مقاله میرمعزی (۱۳۹۱) از جهت توجه به تغییر اولویت‌بندی اهداف نظام اقتصادی و همچنین ترسیم راهبرد و جوب جهاد اقتصادی به فهم ماهیت اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکرد اسلامی کمک می‌کند.

در این نوشتار با استفاده از دستاوردهای مقاله یادشده و سایر آثار، این ایده جدید مطرح می‌شود که تبیین ماهیت اسلامی اقتصاد مقاومتی مستلزم تبیین رویکرد اسلامی در تعیین آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین راهبردهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است.

۳. ضرورت و اهمیت اقتصاد مقاومتی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سلطه برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تسلیم در برابر استکبار جهانی، تحریم‌های اقتصادی فراوانی را بر کشور تحمیل کرده است. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول سی سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزود. این تحریم‌ها در طول سالیان اخیر به بهانه مقابله با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تشدید شد. در این راستا، افزون بر تحریم صادرات نفت، بسیاری از اشخاص، شرکت‌ها، بانک‌ها، حتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفتند. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در کابینه اول باراک اوباما در خاطراتش می‌نویسد:

هدف ما این بود که آنقدر فشار مالی به رهبران ایران، از جمله علی‌ه سوداگری‌های تجاری و رو به رشد ارتش این کشور، وارد کنیم تا هیچ راهی نداشته باشند، جز اینکه با یک پیشنهاد جدی به میز مذاکره برگردند. ما صنعت نفت، بانک‌ها و برنامه‌های تسلیحاتی ایران را هدف گرفتیم. همچنین شرکت‌های بیمه، خطوط حمل و نقل، معامله‌گران انرژی، مؤسسات مالی و بسیاری از بازیگران دیگر را [در لیست تحریم‌ها] نام‌نویسی کردیم تا [سهام] ایران را از تجارت جهانی قطع کنیم. من بیشتر از هر کار دیگری، خودم را موظف کرده بودم که مصرف‌کنندگان اصلی نفت ایران را متقاعد کنم تا منابع خود را متنوع کنند و نفت کمتری از تهران بخرند. با هر کشور جدیدی که [با پیشنهاد من] موافقت می‌کرد، خزانه ایران ضربه بزرگی می‌خورد. رگ حیاتی ایران، نفت آن بود. این کشور سومین صادرکننده بزرگ نفت خام در جهان بود، صادراتی که ارز به شدت مورد نیاز ایران را تأمین می‌کرد. بنابراین ما هر چه می‌توانستیم کردیم تا تجارت را، به خصوص در زمینه نفت، برای ایران دشوار کنیم.

اروپایی‌ها در این مسیر، شرکای ضروری ما بودند و زمانی که همه ۲۷ عضو اتحادیه اروپا توافق کردند نفت ایران را تحریم کامل کنند، یک ضربه بزرگ [به درآمدهای دولت ایران وارد] شد.

رابرت آینهورن [مشاور وزارت خارجه و] کارشناسی که به ایجاد طرح اکتبر ۲۰۰۹ برای مبادله [میله‌های سوختی] راکتور تحقیقاتی تهران کمک کرده بود، با دیوید کوهن معاون وزیر خزانه داری برای پیدا کردن خلاقانه‌ترین و مؤثرترین راه‌های اجرای تحریم‌های جدید همکاری می‌کردند. مسدود کردن دارایی بانک‌های ایرانی خرید بیمه در بازار بین‌المللی را برای تانکرهای ایرانی غیرممکن، و دسترسی آنها به شبکه‌های مالی جهانی را قطع می‌کرد. یک حمله همه‌جانبه بود (کلینتون، ۲۰۰۴، ص ۴۱۶).

رابرت پلینترو - معاون وزیر خارجه آمریکا - اعلام می‌کند: آمریکا مصمم است از تمامی امکانات و ابزارهایی که در اختیار دارد برای تضعیف توانایی‌های مالی و اقتصاد ایران استفاده کند... ما از استمهال بدهی‌ها ممانعت کردیم و با اعطای وام به ایران توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز مخالفت خواهیم کرد (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

با توجه به فشارهای گسترده اقتصادی کشورهای غربی به کشور، مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی را به عنوان «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» معرفی کردند. بر اساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، پیروی از این الگو نه تنها باعث فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و شکست دشمن در جنگ اقتصادی تحمیلی می‌شود؛ بلکه باعث دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز می‌شود. تبعیت از این الگو تنها منحصر به مقابله با

تحریم نیست؛ بلکه ناشی از آن است که اقتصاد جهانی همواره با مخاطرات و نااطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی روبرو است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی).

خوشبختانه ایران اسلامی به واسطه بهره‌مندی از استعدادهای سرشار معنوی و مادی، ذخایر و منابع غنی و متنوع، زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد، کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، توانایی عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی را دارد. تدوین و اجرای الگوی اقتصادی موجب حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت، تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله می‌شود. الگوی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام، پایه‌گذار اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو می‌باشد (همان).

در بیانی کلی، اهمیت و ضرورت اقتصاد مقاومتی را می‌توان از طرفی به وجود تهدیدهای اقتصادی پیش روی کشور از جمله تحریم‌های اقتصادی و همچنین شوک‌های اقتصادی ناشی از بحران‌های اقتصادی در جهان و از طرف دیگر به توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه کشور به منظور ایمن‌سازی کشور دانست.

هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی جهت تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تدوین سیاست‌های کلی آن انجام شده، اما تدوین الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند پژوهش‌های گسترده نظری و کاربردی است. از جهت نظری، هنوز ابهاماتی در مورد مفهوم اقتصاد مقاومتی و چارچوب نظری آن وجود دارد. عدم تدوین الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی نیز اجرای عملی آن را با مشکلاتی مواجه کرده است. نکته مهم در این راستا، معرفی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصاد اسلامی است که با شرایط و اقتضائات فعلی اقتصاد کشور سازگار است.

۴. برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی

پس از معرفی اندیشه اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین برداشت‌های مطرح شده از اقتصاد مقاومتی نقد و بررسی می‌شود.

شکل ۱: برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی



الف. اقتصاد مقاومتی به مثابه مدل اختصاصی نظام اقتصادی اسلام در شرایط خاص: میرمعزی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی را به عنوان شکلی خاص از نظام اقتصادی اسلام قلمداد می‌کند که «در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید». به نظر ایشان، اگر منظور مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی کلیت نظام اقتصادی اسلام بود، «وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده و بر تحقق آن تأکید کند» (ص ۵۳).

این برداشت از اقتصاد مقاومتی از طرفی تداعی‌گر این نکته است که چنین گرایشی به اقتصاد اسلامی اختصاص دارد و از طرف دیگر، آن را به وضعیت خاص تهدید و فشار اقتصادی دشمن محدود می‌کند. این در حالی است که مقام معظم رهبری به صراحت می‌فرماید: «گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها^۵ به خصوص در این سال‌های اخیر- با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند. بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها درصدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند (۱۳۹۲).

این برداشت از اقتصاد مقاومتی را می‌توان اینگونه تصحیح کرد که واژه اقتصاد مقاومتی در بستر اندیشه اقتصاد اسلامی معرفی شده و نباید آن را در مورد رویکردهای مقاوم‌سازی غیر اسلامی که با عناوینی همچون تاب‌آوری

معرفی شده، به کار برد. با این وجود تأکید بر اختصاص اقتصاد مقاومتی به شرایط خاص باعث تضعیف رویکرد بلندمدت و به خصوص پیشگیرانه بودن اقتصاد مقاومتی می‌شود.

ب. اقتصاد مقاومتی به مثابه اقتصاد تحریم: برخی اندیشمندان اقتصاد مقاومتی را معادل اقتصاد تحریم دانسته‌اند. به نظر آنها، اقتصاد مقاومتی «گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده ساخته است». بر اساس این برداشت، در اقتصاد مقاومتی سازوکارهای اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی و نهادهای مالی و واسطه‌ای بر اساس این «پیش فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود» (ترابزاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی بر این نکته تأکید فرموده‌اند که این شیوه اقتصادی به وضعیت کنونی اقتصاد ایران و شرایط تحریمی اختصاص ندارد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است، برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر این‌ها گذاشته می‌شود (همان).

ج. اقتصاد مقاومتی به مفهوم ریاضت اقتصادی: اقتصاد مقاومتی می‌تواند به مفهوم ریاضت اقتصادی باشد. اقتصاد ریاضتی نوعی سیاست‌گذاری راهبردی

جهت کاهش هزینه‌های دولت، به خصوص هزینه‌های عمومی و رفاهی دولت است که توسط برخی کشورها مانند یونان اتخاذ شده است. اتخاذ این راهبرد در اقتصاد کشورهای اروپایی اعتراض‌های مردمی را در پی داشت؛ چرا که فشار اصلی کاهش هزینه‌ها از طریق کاستن از هزینه‌های تأمین اجتماعی و همچنین کاهش دستمزدها بر دوش مردم قرار می‌گیرد (سیفلو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲).

مقام معظم رهبری این برداشت از اقتصاد مقاومتی را به شدت رد می‌کند و می‌فرماید: «ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند، این جور گاهی بعضی القا می‌کنند. بعد از آنکه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند، نه، به هیچ وجه این جور نیست؛ بلکه بعکس است، ما معتقدیم که اگر این سیاست‌ها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد.» (همان).

د. اقتصاد مقاومتی به مفهوم مقاومت اقتصادی: اقتصاد مقاومتی تفاوتی اساسی با مفهوم مقاومت اقتصادی دارد. در شاخص‌های مطرح شده از مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادی به طور عمده به ریسک‌های موقت و ناگهانی بیرونی توجه می‌شود. فرض ضمنی در اقتصاد مقاومتی این است که شوک‌ها و تکانه‌های اقتصادی پیش‌روی نظام اسلامی دائمی و مستمر است؛ زیرا نظام اسلامی بنا به ماهیت خود در معرض فشار مستمر نظام استکبار جهانی قرار دارد. از این رو، اقتصاد مقاومتی نه یک نسخه کوتاه‌مدت، بلکه راهبردی بلندمدت برای مواجهه با شوک‌های اقتصادی به شمار می‌رود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

نوع سیاست‌های مقاومت اقتصادی تا حد زیادی ناشی از نوع تکانه‌هایی است که برای یک اقتصاد متصور است و فرض شاخص‌های رایج آن است که

تنها تکانه‌های صرفاً غیر تعمدی می‌تواند منشأ آسیب شود. این در حالی است که شوک‌های ناشی از سیاست خصمانه اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

به نظر می‌رسد که اقتصاد مقاومتی فراتر از مقاومت اقتصادی و پدافند کوتاه‌مدت است. برخلاف تعاریفی که اقتصاد مقاومتی را پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانند، این رویکرد چشم‌انداز کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد ایده‌آل هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند. بدین معنا در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱).

هـ اقتصاد مقاومتی به مفهوم فنریت (تاب‌آوری) اقتصادی: سیف اقتصاد مقاومتی را معادل «فنریت اقتصادی»^۱ قلمداد کرده است. فنریت یا تاب‌آوری اقتصادی به معنای توانایی مقاومت اقتصاد در مقابل شوک‌های اقتصادی و جذب آنها می‌باشد که با استفاده از راهبردهایی همچون مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی تقویت می‌شود. فنریت اقتصادی با استفاده از شاخص‌هایی چون ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب، و توسعه اجتماعی سنجیده می‌شود. وی در ادامه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی بر پایه مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد می‌کند. وی همچنین راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی،

جذب و ترمیم و پخش و تضعیف را در مواجهه با تحریم اقتصادی غرب پیشنهاد می‌کند (سیف، ۱۳۹۱).

سیفلو (۱۳۹۳) برداشت مشابهی از مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد. وی اقتصاد مقاومتی را مفهومی بسیار نزدیک به اقتصاد تاب‌آوری^۱ و یا آنچه سیف (۱۳۹۱) فنریت اقتصادی نامیده، می‌داند که حجم قابل توجهی از ادبیات اقتصادی بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار را به خود اختصاص داده است. به نظر او، آسیب‌پذیری اقتصادی^۲ مفهوم مقابل تاب‌آوری اقتصادی است. سیفلو (۱۳۹۳) معتقد است که این برداشت از اقتصاد مقاومتی از مفهوم انفعالی مقاوم‌سازی اقتصادی فراتر می‌رود و ابعاد فعالانه‌تری به خود می‌گیرد. بر این اساس، اقتصاد مقاومتی فقط به معنای «هجمه‌شناسی»، «آندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نیست و می‌تواند ابعادی چون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام رهبری را نیز شامل شود.

اقتصاد مقاومتی هر چند در بعضی از راهبردها و سیاست‌ها مشابه با مفهوم انعطاف‌پذیری و فنریت اقتصادی است؛ اما برخلاف فنریت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی در بستر اندیشه اقتصاد اسلامی معرفی شده و نباید آن را در مورد رویکردهای مقاوم‌سازی غیر اسلامی که با عناوینی همچون تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری معرفی شده، به کار برد.

۵. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی

در تعبیر متفاوت از اقتصاد مقاومتی، توجه چندانی به ابعاد اسلامی آن نشده است؛

1. Resilient Economy.

2. Economic vulnerability.

البته همان‌طور که گفته شد مقاله میر معزی به دنبال بررسی این موضوع است؛ ولی ایشان عنصر اصلی در تعریف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلامی را جهاد اقتصادی می‌داند؛ حال آنکه در دیدگاه ما عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی در اندیشه اسلامی ایمن سازی اقتصاد در برابر آسیب‌های بیرونی و درونی است که جهاد اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمن‌ساز است. ارائه تحلیلی اسلامی از منابع آسیب‌پذیری و راهبردهای اسلامی جهت برطرف کردن این آسیب‌پذیری‌ها را می‌توان با توجه به اهمیت امنیت اقتصادی در میان اهداف نظام اقتصادی اسلام ارائه داد.

در نظام اقتصادی اسلام در کنار توجه به رشد اقتصادی و عدالت، به هدف محوری امنیت و ثبات اقتصادی نیز توجه شده است. در باب اهمیت امنیت همین بس که قرآن مجید به عظمت «شهر امن» سوگند یاد می‌کند (تین، ۳)^۱ و امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد (نور، ۵۵)^۲.

خداوند متعال در آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل، ۱۱۲) با ذکر سه ویژگی امنیت، اطمینان و فراوانی نعمت‌ها، فراهم شدن رزق و روزی فراوان که متناظر با رشد اقتصادی است، اطمینان را مترتب بر امنیت می‌داند. همین مفهوم در تشبیه زیبای قرآن مجید میان کلام طیب و درخت طیب، با توجه دادن به ثبات درخت طوبی (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) و همچنین پر محصولی آن (تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ) و در طرف مقابل بی‌ثباتی درخت خبیث (مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) بیان شده است (ابراهیم، ۲۴-۲۶)^۳.

۱. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ.

۲. وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.

۳. أَلَمْ تَرَى كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

حضرت ابراهیم(ع) نیز در دعای خود در مورد شهر مکه امنیت را مقدم بر رزق که ناظر به رشد و فراوانی تولید است، می‌داند (بقره، ۱۲۶)^۱. حضرت یوسف (ع) نیز با درک اهمیت مسئله امنیت، به پدر و مادر و برادران خود گفت: وارد مصر شوید که انشاءالله در امنیت خواهید بود (یوسف، ۹۹)^۲.

هرچند از جهت ارزشی عدالت بر امنیت و حتی رشد مقدم است، شاید بتوان عنوان داشت که امنیت از جهت رتبی و نه ارزشی بر دو هدف دیگر تقدم دارد؛ زیرا بدون وجود امنیت امکان تحقق رشد و عدالت نیز وجود ندارد. از این رو، تقدم امنیت بر عدالت و رشد تقدم رتبی است نه تقدم ارزشی؛ یعنی بدون آن نه امکان رشد وجود دارد و نه امکان اجرای عدالت. بدون شک دستیابی به رونق اقتصادی و رفاه نسبی و فراوانی نعمت زمانی ممکن است که فضایی امن جهت فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود. به همین خاطر حضرت ابراهیم با دلسوزی خاص و از باب مهرورزی به مردم مؤمن منطقه ابتدا از خداوند متعال طلب امنیت می‌کند و سپس درخواست رزق فراوان و انواع میوه و محصولات را برای ساکنان مکه نمود (بقره، ۱۲۶ و ابراهیم، ۳۵)^۳.

در روایتی از امام صادق(ع)، سه هدف امنیت، عدالت و رشد بدین گونه بیان شده است: قال الصادق (ع): «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَنُجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛ سه چیز است که مردم همگی بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و فراوانی» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۳۴).

در روایت بالا، خصب به معنای فراوانی کالاها و خدمات است که متناظر

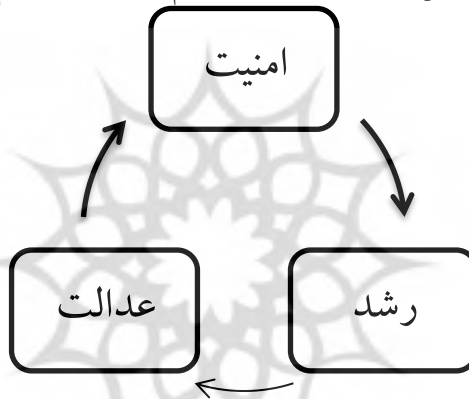
۱. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ.

۲. وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ.

۳. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ؛ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا.

مفهوم اقتصادی رشد و توسعه اقتصادی است^۱. همچنین در این روایت امنیت بر دو هدف دیگر مقدم شده و این امر نیز می‌تواند مشعر به تقدم رتبی (و نه ارزشی) آن داشته باشد. تقدم رتبی بدان معناست که امنیت به طور عام و امنیت اقتصادی به صورت خاص اولین نیاز عمومی است و پس از آن عدالت و رشد قرار دارد؛ یعنی نظام اقتصادی مطلوب باعث ایجاد امنیت و پایداری در تولید کالاها و خدمات و توزیع عادلانه محصولات تولیدی می‌شود.

شکل ۲: اهداف سه‌گانه نظام اقتصادی اسلام



این اهداف سه‌گانه با یکدیگر ساختار نظام اقتصادی را مشخص می‌کنند. در این میان اندیشه مقاوم‌سازی اقتصاد، بعد امنیت اقتصادی را از جهت نظری برجسته می‌کند و استحکام نظام را مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌گونه که در ارزیابی یک سازه مسکونی ممکن است آن را از جهات متعددی همچون استحکام

۱. در برخی روایات، زمان خصب در مقابل زمان شدت و بلا معرفی شده است. بر اساس این روایات، مدت احتکار در زمان فراوانی (خصب) ۴۰ روز و در زمان کمبود (شدت و بلا) سه روز است: عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْخُبْرَةُ فِي الْخَصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ فِي الشَّدَّةِ وَ الْبَلَاءِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْخَصْبِ فَصَاحِبُهُ مُلْعُونٌ وَ مَا زَادَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْعُسْرَةِ فَصَاحِبُهُ مُلْعُونٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۶۵).

بنا، معماری، راحتی و مانند آن ارزیابی کنیم؛ نظام اقتصادی را نیز می‌توان از جهات مختلف از جمله توانایی در تولید کالاها و خدمات (رشد)، میزان موفقیت در توزیع عادلانه محصولات تولیدی (عدالت) و همچنین استحکام نظام در تولید مستمر کالاها و خدمات (مقاومت) مورد ارزیابی قرار داد.

امنیت اقتصادی زمانی ایجاد می‌شود که از یک سو فضایی امن برای کسب و کار شکل گیرد و دارایی و ثروت مردم از دست‌اندازی دیگران در امان باشد. از سوی دیگر، تحقق امنیت اقتصادی در سطح کلان به معنای ایجاد ثبات اقتصادی است (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۱). امنیت اقتصادی در مفهوم اول (ایجاد فضای امن)، به معنای محافظت از حقوق مالکیت و در مفهوم دوم (ثبات اقتصادی) به معنای تثبیت شرایط اقتصادی است.

ایجاد فضای امن و ثبات اقتصادی در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تحلیل ارائه شده از زمینه‌های ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی جهت برطرف کردن آن است. در ادبیات متعارف اقتصادی به طور عمده به مشکلاتی چون درجه بالای باز بودن اقتصادی و درجه بالای تمرکز صادراتی و وارداتی به عنوان آسیب‌های اقتصادی اشاره شده است (بریگولیو^۱، ۲۰۰۶).

۶. تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و طرفندهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است. اقتصاد مقاومتی، به بیان دیگر، متضمن آسیب‌شناسی اقتصادی در چارچوب اندیشه اقتصاد اسلامی با توجه به شرایط کشور و ارائه راه‌حل مبتنی بر آن است. از

1. Briguglio.

این‌رو، اقتصاد مقاومتی بر پایه دو مؤلفه تشخیص آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و ارائه راهبردهای ایمن‌ساز در چارچوب اندیشه اسلامی استوار است. در این میان تشخیص نقاط آسیب‌پذیر در نظام اقتصادی از جهت رتبی مقدم بر درمان مشکل است.

تبیین ارائه شده از اقتصاد مقاومتی با تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله) بر اسلامی بودن آن سازگار است. ایشان اقتصاد مقاومتی را الگویی بومی و علمی می‌دانند که از فرهنگ انقلابی و اسلامی کشور برآمده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌کنند که اقتصاد مقاومتی، در مقابل آسیب‌پذیری‌ها ایمن است:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است، هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری بر لزوم آسیب‌پذیری نظام اقتصادی و همچنین اینکه اقتصاد مقاومتی الگویی اسلامی است، طرح این نکته که در اقتصاد مقاومتی آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی از نقطه نظر اسلامی ارائه می‌شود، به معنای ارائه تعریف جدید از اقتصاد مقاومتی نیست. این بیان رویکرد تبیین اقتصاد مقاومتی و لزوم مراجعه به منابع دینی را روشن‌تر می‌کند.

تشخیص نقاط آسیب‌پذیر در نظام اقتصادی وابستگی زیادی به ارزیابی ما از کارکرد نظام اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر دارد. این امر موجب تمایز رویکردهای قابل ارائه در آسیب‌شناسی نظام اقتصادی می‌شود.

اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی، به طور نمونه، نگاه متفاوتی به کارکرد ربا و بهره در نظام اقتصادی دارند. در رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری، نرخ بهره به عنوان متغیری اساسی باعث بهبود کارکرد نظام مالی و تخصیص بهینه منابع مالی کمیاب می‌شود. در مقابل، اقتصاد اسلامی، ظهور ربا در اقتصاد را موجب آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌داند. این دو نوع تحلیل موجب ارائه ساختارهای نهادی متفاوت جهت سازماندهی نظام مالی در اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی می‌شود.

۷. سنخ‌شناسی آسیب‌پذیری‌های اقتصادی

آسیب‌های نظام اقتصادی از جهات مختلف قابل تمایز هستند. این آسیب‌ها از یک طرف به درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. این تقسیم ناظر به منشأ آسیب‌پذیری است. آسیب‌های بیرونی، به طور عمده منشأ خارجی دارند. برای نمونه، تحریم‌های اقتصادی از خارج به مردم یک کشور تحمیل می‌شوند. بحران‌های مالی بین‌المللی نیز امور خارجی هستند که می‌توانند اقتصاد یک کشور را دچار آسیب کنند. در مقابل، آسیب‌پذیری‌های درونی اقتصاد ماهیتی داخلی دارند و ناظر به ضعف‌های درونی نظام اقتصادی یک کشور هستند. برای نمونه، رواج فرهنگ دنیاطلبی نوعی آسیب اقتصادی درونی است.

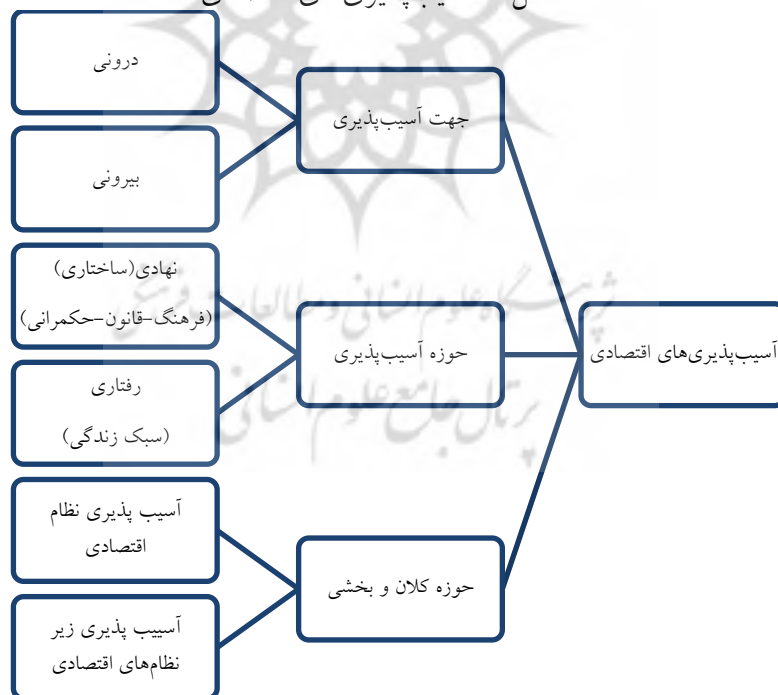
آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، از زاویه دیگر در دو حوزه آسیب‌پذیری‌های نهادی و رفتاری جای می‌گیرند. آسیب‌پذیری رفتاری به مشکلات موجود در سبک زندگی اقتصادی اشاره دارد که امکان بروز مشکلات اقتصادی را تقویت می‌کند. در مقابل، آسیب‌پذیری‌های نهادی به آسیب‌های ناشی از وجود ساختار نهادی نامناسب از جمله فرهنگ اقتصادی، قوانین اقتصادی و همچنین ساختار حکمرانی نامناسب اشاره دارد.

برای نمونه، رواج سبک زندگی اقتصادی توأم با اسراف و اتراف نوعی آسیب

در رفتار اقتصادی است. در مقابل، شکل‌گیری فرهنگ تفاخر، قوانین ترویج‌کننده ورود کالاهای لوکس و همچنین ضعف سازمان‌های اجرایی در مواجهه با قاچاق کالا بستر نهادی سبک زندگی مترفانه و مسرفانه را فراهم می‌کند.

در نگاهی دیگر آسیب‌پذیری‌های اقتصادی به دو دسته آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی کلان و آسیب‌پذیری‌های زیر نظام‌های آن یا بخش‌های اقتصادی تقسیم می‌شود. در آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی کلان به آسیب‌های پیش‌روی کلیت نظام اقتصادی صرف نظر از بخش‌های آن توجه می‌شود. در مقابل، بخش‌های اقتصادی از جمله بخش مالی، عمومی و مانند آن نیز با آسیب‌های خاص خود مواجهند. برای نمونه، مشکل هماهنگی منافع فردی و جمعی یکی از مسائل کلان نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. در مقابل بروز بحران‌های مالی به آسیب‌پذیری بخش پولی و بانکی اشاره دارد.

شکل ۳: آسیب‌پذیری‌های اقتصادی



تفکیک بین آسیب‌های درونی یا بیرونی؛ رفتاری و نهادی و کلان یا بخشی به مفهوم نفی ارتباط بین آنها نیست. آسیب‌پذیری‌های رفتاری یا نهادی ممکن است ناشی از نقاط آسیب درونی یا بیرونی باشند. برای نمونه، عمده آسیب‌های فرهنگ اقتصادی ناشی از مشکلات درونی در اقتصاد یک کشور و عدم مقابله با رواج فرهنگ‌های اقتصادی نامطلوب است. با وجود این، مشکلات فرهنگ اقتصادی می‌تواند منشأ بیرونی نیز داشته باشد. برای نمونه، تبلیغات بازرگانی در شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند فرهنگ مصرف کالای داخلی و همچنین فرهنگ قناعت در مصرف را نشانه بگیرد.

۸. آسیب‌شناسی اقتصادی در رویکرد اسلامی

در دهه‌های اخیر، اقتصاددانان با توجه به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی نسبت به شوک‌های اقتصادی ادبیاتی مشابه اقتصاد مقاومتی شکل داده‌اند که از آن با عنوان اقتصاد تاب‌آوری^۱ یاد شده است. در این بررسی‌ها، آسیب‌پذیری کشورها نسبت به شوک‌های برون‌زا به طور عمده به دو عامل مهم درجه بالای باز بودن اقتصادی و تمرکز صادراتی بالا نسبت داده شده است (بریگولیو، ۲۰۰۶).

درجه بالای باز بودن اقتصاد به معنای بالا بودن سهم مجموع صادرات و واردات از کل تولید ناخالص داخلی است. هرچند باز بودن درهای اقتصاد یک کشور بر روی تجارت خارجی نشانه قدرت اقتصادی یک کشور است، این سیاست باعث افزایش آسیب‌پذیری آن می‌شود. زیرا کشورهای با اقتصاد باز، در معرض سطح بالایی از شوک‌ها قرار دارند، شوک‌هایی که تقریباً هیچ کنترلی بر روی آن ندارند (بریگولیو و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۴).

1. resilience.

درجه بالای تمرکز صادراتی نیز از عوامل مهم ایجاد آسیب‌پذیری اقتصادی است. وابستگی یک کشور به صادرات طیف محدودی از کالاها و خدمات برای یک کشور خطرناک است. این موضوع به ساختار تولیدی و توانمندی‌های اقتصادی هر کشور وابسته است (همان).

نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که شوک‌های اقتصادی باعث نوسان بالای تولید ناخالص داخلی و درآمدهای صادراتی کشورهای کوچک می‌شود. در کشورهای کوچک ریسک‌های فزاینده ناشی از شوک‌ها اثری منفی بر رشد اقتصادی برجای می‌گذارد. در این میان، شوک‌های منفی نسبت به شوک‌های مثبت، اثر بزرگتری بر اقتصاد کشورهای کوچک برجای می‌گذارند (کوردینا، ۲۰۰۴، ص ۲۳).

تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصادی در اقتصاد مقاومتی، همان‌گونه که گفته شد، مستلزم بهره‌گیری از تفکر اسلامی هم در مرحله آسیب‌شناسی و هم در مرحله درمان است. رهیافت اقتصاد اسلامی نسبت به برخی از آسیب‌های اقتصادی از جمله گسترش دنیاگرایی، مصرف‌گرایی، نظام پولی ربوی و همچنین نظام تأمین اجتماعی متمرکز هشدار داده می‌شود.

هرچند در بینش اقتصاد سرمایه‌داری پیگیری نفع شخصی به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، در بینش اسلامی، نیازدگی به عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. در این چارچوب، اگر تمایلات خودخواهانه به واسطه گرایش‌های اخلاقی و همچنین نظارات همگانی و دولتی کنترل نشود، موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری می‌شود.

در نظام سرمایه‌داری مصرف ترویج می‌شود تا تولید انبوه پابرجا باشد. در این چارچوب حداکثر سازی مطلوبیت ناشی از مصرف عقلایی تلقی می‌شود. در این نظام، کالاهایی برای تولید انتخاب می‌شوند که بالاترین آرا را به دست آورند؛ یعنی بالاترین مقدار پولی را که مردم برای کالاها خرج می‌کنند، می‌گیرد (لیپسی، ۱۳۷۸، ص ۵۹). در این ساختار ثروتمندان آرای بیشتری و فقیران رای کمتری دارند. گذشته از آنکه صاحبان صنایع بزرگ با استفاده از صنعت تبلیغات باعث ایجاد ذائقه‌های مصرفی جدید در مردم می‌شوند و بدینوسیله در عمل مصرف در خدمت تولید قرار می‌گیرد. نتیجه این روند، گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، تخریب محیط زیست و افزایش شکاف طبقاتی میان ثروتمندان و فقیران است (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۸۰ - ۸۱).

در مقابل، در اندیشه اسلامی، گسترش مصرف‌گرایی به عنوان یک آسیب اقتصادی معرفی می‌شود. اسلام در مقابل فرهنگ مصرف‌گرایی، فرهنگ قناعت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۸۳؛ کبیر مدنی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۰۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۹)^۱ و عدم اسراف (فرقان، ۶۷)^۲ را معرفی می‌کند. بر اساس اندیشه اسلامی، قناعت به عنوان سرمایه‌ای پایدار هم باعث حفظ منابع از اسراف و تبذیر می‌شود و هم مانع از ورود افراد به مسابقه تکاثر می‌شود.

همچنین در اندیشه اسلامی، شکل‌گیری نظام مالی مبتنی بر ربا و قمار نه تنها موجب آسیب‌پذیری نظام مالی می‌شود؛ بلکه کل نظام اقتصادی را نیز آسیب‌پذیر می‌نماید؛ زیرا در نظام تأمین مالی ربوی تمامی ریسک‌های اقتصادی به گیرنده تسهیلات منتقل می‌شود. در این حالت در صورت بروز یک بحران ناخواسته

۱. قال رسول الله (ص): الْفَنَاعَةُ رَاحَةٌ؛ قال علی (ع): الفناعة مال لا ينفذ؛ عن الامام علی علیه السلام:

من قنع لم يغم.

۲. الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

تمامی بار مشکل بر وی تحمیل و باعث ایجاد ورشکستگی و تعمیق بحران می‌شود (توکلی، ۱۳۹۱).

تأمل در ساختار غیرمتمرکز تأمین اجتماعی در اسلام نیز نشان می‌دهد که اسلام تمامی بار فقرزدایی را بر عهده دولت نمی‌گذارد؛ بلکه سعی می‌کند مردم را نیز به شکلی داوطلبانه درگیر تأمین اجتماعی کند (برانت، ۱۳۸۳، ص ۹۰). مهم‌ترین چالش سیستم‌های تأمین اجتماعی که امروزه تقریباً به یک معضل غیر قابل حل برای بیشتر دولت‌های رفاه تبدیل شده است، کسری بودجه و بحران مالی آنها می‌باشد. بر اساس گزارش خزانه‌داری کل آمریکا، سازمان تأمین خدمات درمانی سالخوردگان این کشور با رقم نجومی ۳۷۶۰۰ میلیارد دلار کسری بودجه انباشته مواجه شده بود که این رقم به طور مداوم در حال افزایش است (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

باید توجه داشت که آسیب‌شناسی اقتصادی مبتنی بر رویکرد اسلامی در اقتصاد مقاومتی به معنای نفی دستاوردهای اقتصاد تاب‌آوری نیست. ادبیات اقتصاد تاب‌آوری از این جهت با مباحث اقتصاد مقاومتی در ارتباط است که به تحلیل برخی از جنبه‌های مهم در آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها در عصر جهانی شدن از جمله درجه باز بودن تجارت خارجی، میزان تمرکز صادراتی و آسیب‌های نهادی می‌پردازد. مقام معظم رهبری با توجه به وجود مشابهت بین ایده اقتصاد مقاومتی و مباحث مشابه در اقتصاد متعارف می‌فرمایند:

«اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است؛ اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیر و رو شدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی ضمن توجه به دستاوردهای علمی حاصل از مباحث تاب‌آوری اقتصادی، از رویکرد اسلامی در تحلیل نقاط آسیب‌زا و ترندهای ایمن‌ساز استفاده می‌شود. در این رویکرد اگر بخواهیم آسیب‌ها را از حیث درجه اهمیت رتبه‌بندی کنیم، آسیب‌های درونی درجه اهمیت بالایی دارند. در این دیدگاه برخلاف اقتصاد تاب‌آوری که تأکید بر دو عامل درجه بالای باز بودن تجاری و تمرکز صادراتی است، تأکید عمده برای تحقق اقتصاد مقاومتی بر رفع آسیب‌پذیری‌های درونی است. مقام معظم رهبری یک دهه قبل از ارائه اندیشه اقتصاد مقاومتی به تبیین این واقعیت پرداختند:

«عوامل درونی یعنی مواردی که در درون خود ما انقلابیون و ما مؤمنین است اینها کم نیست، زیاد است. من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما این آسیب‌های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب‌های بیرونی مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷).

مقام معظم رهبری با ترسیم جنگ احد و تحلیل شکست مسلمانان در آن نبرد، جامعه اسلامی را به عبرت‌آموزی فرا می‌خوانند و در کنار توطئه دشمنان بیرونی به اهمیت وضعیت درونی پرداخته و به تعبیری علت کارآمد شدن تلاش دشمنان را ضعف درونی بر می‌شمارند:

«اگرچه جنگ احد در مقیاس مسائل تاریخی و جهانی و مسائل جامعه یک حادثه کوتاه‌مدت و کوچک است؛ اما درسی که قرآن در باب جنگ احد به ما داد، درس بزرگی است و متعلق به همیشه است... خدا نعمت را بر نمی‌گرداند. ما هستیم که با رفتار خودمان، با عقب‌گرد خودمان، با سوء تدبیر خودمان درباره امور خویش نعمت را بر می‌گردانیم... در جنگ احد قضیه برگشت، من بعد ما اریکم ما تحبون بعد از آنکه خداوند طلیعه پیروزی را نشان داده بود، اشتباه کردند... الان همه ما در همان وضعیتیم. جامعه ما، نه امروز، بلکه بعد از پیروزی انقلاب در همان وضعیت است. پیروزی مرحله‌ای انجام گرفته است.»

ما ماموریم بر اینکه ثغره و شکاف و کمینگاه را حراست و محافظت بکنیم. اگر غفلت کردیم، دشمن ما را دور خواهد زد و ضایعه خواهد آفرید. از اول انقلاب تا حالا نگاه کنید، هر جا دور خوردیم، بر اثر چنین غفلتی بوده است. اگر بگردیم، غفلت را پیدا می‌کنیم همه‌اش دنبال مسائل تحلیل سیاسی نرویم. البته من منکر فعل و انفعالات بیرونی و واقعی و سیاسی نیستم؛ اما اساس قضیه در درون خود ماست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰). در دیدگاه ایشان آسیب‌های درونی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: «یکی از آنها بی‌ایمانی^{۱۰} ضعف ایمان^{۱۱} است، این آسیب درون است؛ یکی سوء عملکرد در همه زمینه‌هاست، از جمله در تبلیغ. یکی از آنها دنیاطلبی است؛ یعنی مزه دنیا را با حرص و ولع، در دهان مزمه کردن و چرب و شیرین دنیا را قدر دانستن. به نظر من این سه چیز عوامل اصلی است و همه چیز به این سه چیز بر می‌گردد. هر دستگاه یا هر فردی که موجب این سه چیز بشود به انقلاب ضربه می‌زند. هرکس موجب گردد که مردم به بی‌ایمانی سوق داده بشوند و ایمان مردم ضعیف بشود، کمک به آسیب‌های انقلاب می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران با دو تهدید و آسیب بیرونی و درونی مواجه است. اما آنچه اهمیت مضاعف دارد و ریشه پدید آمدن مشکلات، انحرافات و کجی‌ها می‌شود، آسیب درونی است و اگر دشمن موفق می‌شود ضربه و یا هجومی را سامان بدهد و اجرا کند، ریشه در ضعف درونی خودمان دارد؛ لذا جامعه‌ایی که بتواند آسیب‌های درونی خود را علاج کند، هیچ ترفندی از دشمن در او کارگر نخواهد افتاد.

۹. راهبردهای ایمن‌ساز در اقتصاد اسلامی

ادبیات اقتصاد مقاومتی ضمن گسترش مباحث مرتبط با آسیب‌شناسی نظام‌های اقتصادی با توجه به رهیافت‌های برآمده از مکتب اقتصادی اسلام، به ارائه

راهبردهای نوینی جهت ایمن‌سازی و کاهش میزان آسیب‌پذیری‌های اقتصادی می‌پردازد. برای نمونه، در اقتصاد اسلامی برای مواجهه با آسیب‌هایی چون مصرف‌گرایی، تأمین مالی ربوی و تأمین اجتماعی متمرکز، راهبردهایی چون سبک زندگی تعادلی اسلامی، الگوی بانکداری اسلامی و نظام تأمین اجتماعی غیرمتمرکز پیشنهاد شده است.

بانکداری اسلامی به عنوان با سابقه‌ترین نماد تأمین مالی اسلامی، روش مشارکت در سود و زیان را به جای نظام ربوی، اساس کار خود قرار داده است. در روش مشارکت در سود و زیان، ریسک مبادلات بین تأمین مالی کننده و تأمین مالی شونده تسهیم می‌شود. در مقابل، تأمین مالی کننده نیز در سود حاصل از فعالیت اقتصادی تأمین مالی شونده، سهیم می‌شود (موسویان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶).

همچنین این روش سبب جذب شوک‌های اقتصادی و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی می‌شود. می‌توان رمز موفقیت بانکداری اسلامی در جذب شوک‌های اقتصادی را در حذف دوگانگی فعالیت‌های اقتصادی واقعی و مالی دانست. در تأمین مالی اسلامی هرگز در ازای پول آتی (نسیه)، پول حال (نقد) ارائه نمی‌شود. تمام روش‌های تأمین مالی اسلامی شامل پول، در یک سمت و کالاها و خدمات در سمت دیگر است. جریان پولی در تأمین مالی اسلامی باید به صورت مستقیم به جریان کالاها و خدمات متصل باشد. ویژگی ارتباط جریان وجوه با اقتصاد و بازارهای واقعی در بانکداری اسلامی، سبب می‌شود تأمین مالی اسلامی در جذب شوک‌های اقتصاد واقعی بهتر عمل کند. بانکداری اسلامی تعامل بیشتری با بازار واقعی کالاها و خدمات دارد. از این‌رو، نظام بانکی تعامل بیشتری با نیروهای بازاری و سازوکار قیمت و عرضه و تقاضا دارد و بنابراین، بهتر می‌تواند نوسان‌ها و شوک‌های اقتصاد واقعی را جذب کند (شعبانی و سیفلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

همچنین در سبک زندگی اقتصادی اسلامی بر الگوی تعادلی مصرف در حد

کفاف، پرکاری در تولید و انفاق مازاد درآمد تأکید می‌شود. در این الگوی تعادلی انسان مسلمان از یک طرف، تولید را عبادت می‌شمارد و از حاصل آن برای رفاه خود و هموعانش استفاده می‌کند. او خود را خلیفه خداوند و امانتدار او می‌داند، هدفش از تولید، تنها حداکثرکردن سود و درآمد نیست. سودی را دنبال می‌کند که رضایت خداوند را به همراه داشته باشد. برای تولیدکننده مسلمان، مباحثی از قبیل از میدان به درکردن رقیب و انحصارطلبی، احتکار و گرانفروشی و کم‌فروشی، جایی ندارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر در حوزه مصرف و توزیع، انسان مسلمان با مصرف در حد کفاف و پرهیز از اسراف و تبذیر، به انفاق مازاد درآمد خود می‌پردازد. لذا در سطح خرد به افزایش مطلوبیت فقرا و در سطح کلان به کاهش نابرابری‌های درآمدی، افزایش تولید کل و رفتن جامعه به سمت ثبات و تعادل منجر می‌شود. در سطح خرد تأکید اسلام بر پرکاری (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۸) ۱، مصرف در حد کفاف (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۱۳) و انفاق مازاد درآمد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۸) ۲ سبب می‌شود تا مصارف تجملاتی از جامعه حذف و با انتقال مازاد درآمد به گروه‌های کم درآمد مطلوبیت دنیوی فقرا حداکثر شود. از طرف دیگر در سطح کلان نیز با کاهش مصرف فرد مسلمان به حد کفاف

۱. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْعِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْعِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ؛ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقِيلَ لَهُ أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ قَالَ فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْبُدُ رَبَّهُ قَالَ فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ قِيلَ مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَاللَّهِ لَلَّذِي يَفُوتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ.

۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقَّنُوا دِمَاءَهُمْ وَ بِهَا سُمُوا مُسْلِمِينَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حَقُوقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ «۲» فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَ هُوَ شَيْءٌ يَفْرُضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَفْرُضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ.

و انفاق مازاد درآمد، اشتغال در جامعه بیشتر، تولید کل افزایش و مصرف کل در حد کفاف کاهش می‌یابد (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در نتیجه جامعه از قدرت بالایی در برخورد با آسیب‌های اقتصادی برخوردار می‌باشد.

در الگوی تأمین اجتماعی اسلام نیز تأکید بر تقدم توانمندسازی و خوداتکایی افراد بر وابستگی به کمک‌ها، فدا نشدن تأمین اجتماعی به پای اهداف رشد اقتصادی، برخورداری تأمین اجتماعی از کارکرد عدالت بین نسلی، فراگیری تأمین اجتماعی نسبت به اقلیت‌های مذهبی، توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، و سبک بار بودن و عدم سنگینی نظام تأمین اجتماعی بر دوش دولت سبب افزایش ثبات اقتصادی در جامعه می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷). عدم تمرکز در نظام تأمین اجتماعی اسلام باعث می‌شود که از بروز آسیب‌پذیری‌های تأمین اجتماعی در اقتصادهای رفاه از جمله مشکلات مالی کاسته شود.

۱۰. رابطه اقتصاد مقاومتی با مفاهیم مشابه در اقتصاد اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر افزون بر طرح اندیشه اقتصاد مقاومتی، مفاهیم مشابهی از جمله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت و پشرفت توأمان و جهاد اقتصادی را نیز مطرح کردند. این مفاهیم بخشی از یک منظومه منسجم فکری در چارچوب اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند.
شکل ۴: مفاهیم هم‌تراز اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد اسلامی



الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی است که دستیابی به اهداف سه‌گانه نظام اقتصادی اسلام یعنی رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را با توجه به اقتضانات بومی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند. با توجه به تحلیلی که در مورد رابطه بین اهداف رشد، عدالت و امنیت ارائه شد، تحقق رشد و عدالت اقتصادی بدون در نظر گرفتن امنیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که تقویت امنیت اقتصادی باعث تسریع رشد و تقویت عدالت می‌شود، رشد مداوم اقتصادی و عدالت اقتصادی نیز باعث تقویت امنیت و ثبات اقتصادی می‌شود. در این چارچوب، اقتصاد مقاومتی به تحلیل چگونگی تحقق امنیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف سه‌گانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌پردازد. البته باید توجه داشت که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت افزون بر هدف‌گذاری پیشرفت اقتصادی، پیشرفت در سایر ابعاد از جمله پیشرفت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

مقام معظم رهبری با معرفی دهه عدالت و پیشرفت بر این نکته تأکید کردند که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت افزون بر توجه به هدف رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی نیز اهمیت دارد. یعنی در رویکرد اسلامی، افزایش نرخ رشد اقتصادی به تنهایی نشانه پیشرفت اقتصادی نیست؛ بلکه پیشرفت اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که عواید اقتصادی به صورتی عادلانه بین افراد توزیع شود. با در نظر گرفتن ترکیب دو هدف عدالت و رشد اقتصادی، مفهوم پیشرفت و عدالت توأمان نیز با مفهوم اقتصاد مقاومتی ارتباط می‌یابد؛ زیرا تحقق امنیت اقتصادی با دو هدف رشد و عدالت اقتصادی مرتبط است.

اقتصاد مقاومتی با مفهوم جهاد اقتصادی نیز مرتبط است. جهاد اقتصادی الگوی اقتصادی برخاسته از فرهنگ اسلامی است که مجاهدت و تلاش پیگیر جهت رشد و پیشرفت توأم با عدالت و همچنین تحقق اقتصاد را تسهیل می‌کند. در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تحقق روحیه جهادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی قلمداد شده است.

با در نظر گرفتن ارتباط بین اهداف رشد، عدالت و امنیت، اقتصاد اسلامی ارائه‌کننده الگویی است که از جهت تحقق امنیت با عنوان اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود. تحقق اهداف رشد، عدالت و امنیت اقتصادی در ایران اسلامی را نیز می‌توان با توجه به الگوی اسلامی پیشرفت بازشناخت. تأمین توأم هدف رشد و عدالت نیز در قالب الگوی رشد توأم با عدالت و یا رشد عدالت محور معرفی می‌شود.

باید توجه داشت که تمرکز بر یک هدف به معنای در نظر نگرفتن سایر اهداف نیست؛ بلکه این امر به منظور تمرکز بر هدف یاد شده صورت می‌گیرد. بر این اساس، الگوی اقتصادی برخاسته از مکتب اقتصادی اسلام الگویی است که افزون بر تحقق امنیت، به صورت هم‌زمان اهداف رشد و عدالت را نیز تأمین کند. باید توجه داشت که در مقام عمل بین اهداف سه‌گانه رشد، عدالت و امنیت نوعی بده‌بستان وجود دارد (لوپوس^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۵). هنگامی که برای حفظ امنیت، از میزان ریسک‌های اقتصادی کاسته شود، در عمل مجبور به هدف‌گذاری نرخ‌های رشد پایین‌تری هستیم. به علت وجود بده‌بستان بین اهداف، ضرورت انتخاب ترکیب بهینه اهداف ضروری است. به همین جهت تحقق دو معیار درون‌زایی و برون‌گرایی در اقتصاد مقاومتی، ناظر به توجه هم‌زمان به هر دو هدف رشد و امنیت اقتصادی است.

نتیجه

اقتصاد مقاومتی الگویی عملیاتی از اقتصاد اسلامی است که در آن هدف ثبات و امنیت اقتصادی به عنوان هدف محوری مورد توجه قرار گرفته است.

1. Lopus.

این الگو به منظور مقابله با آسیب‌پذیری‌های درونی و بیرونی اقتصادی و تقویت انعطاف‌پذیری و مقاومت نظام اقتصادی ارائه می‌شود. هرچند ارائه چنین الگویی در شرایط تحریم اقتصادی به شدت احساس می‌شود، اقتصاد مقاومتی طرحی بلندمدت جهت کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی حتی در صورت عدم وجود تحریم و یا شوک‌های اقتصادی برون‌زا می‌باشد.

ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی به معنای نفی دستاوردهای ادبیات اقتصادی گسترش یافته در زمینه اقتصاد تحریم، اقتصاد آسیب‌پذیری و یا اقتصاد تاب‌آوری نیست. در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی ضمن توجه به دستاوردهای علمی در زمینه اقتصاد ثبات و امنیت، از رویکرد اسلامی در تحلیل نقاط آسیب‌زا و ترندهای ایمن‌ساز استفاده می‌شود.

بدون شک ارائه الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی افزون بر توجه به اقتضائات اسلامی نیازمند در نظر گرفتن اقتضائات بومی کشورهای اسلامی است. از این‌رو، الگوی اقتصاد مقاومتی رابطه تنگاتنگی با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین الگوی پیشرفت توأم با عدالت و یا رشد عدالت محور دارد که در آن دو هدف محوری دیگر نظام اقتصادی اسلام یعنی پیشرفت و عدالت مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ایروانی، جواد و علی جلائیان اکبرنیا (۱۳۹۲)، «سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و جامعه غربی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلام*، ش ۲، ص ۶۸-۷۱.
۳. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۵، ص ۲۵-۳۹.
۴. *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هیئت دولت*، ۱۳۹۱/۶/۲.
۵. *بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی*، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۶. *بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی*، ۱۳۹۳/۱/۱.
۷. *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار برگزارکنندگان همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب*، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.
۸. *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام*، ۱۳۷۰/۵/۲۳.
۹. برانت، کریستینا (۱۳۸۳)، *دولت رفاه و حمایت‌های اجتماعی؛ راهبردهای فقرزدایی*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۱۰. پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، *درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی*، سدید، انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. پیغامی، عادل؛ مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی (۱۳۹۴)، *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی (مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، *مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی*،

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=20551>

۱۳. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر طرح اقتصادی شورای پایی عدالت و صلح در اصلاحات کلان اقتصادی در جهان»، معرفت ادیان، سال سوم، شماره سوم، ص ۶۵ - ۸۶.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، چ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۵. ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.
۱۶. جی. لیبسی، ریچارد (۱۳۷۸)، اصول علم اقتصاد (اقتصاد خرد)، ترجمه منوچهر فکری رشاد، مشهد: مشهد: مهشید.
۱۷. چپرا، محمد عمر (۱۳۸۵)، اسلام و چالش سرمایه‌داری، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. حسین زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، مشکوه، ش ۱۱۸، ص ۱۳۸-۱۵۹.
۱۹. حسینی، سیدرضا؛ الیاس نادران و حسن آقا نظری (۱۳۹۱)، «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، ص ۵ - ۲۸.
۲۰. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بهمن ماه ۱۳۹۲.
۲۱. سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، آفاق امنیت، ش ۱۶، ص ۵-۲۲.
۲۲. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳ الف)، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی»، سیاست دفاعی، ش ۸۷، ص ۵۳-۸۸.
۲۳. _____ (۱۳۹۳ ب)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰، ص ۱۵۱-۱۷۳.

۲۴. سبحانی، حسن (۱۳۹۱)، *اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سیاسی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰.
۲۵. شعبانی، احمد و سجاد سیفلو (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکاری جدید»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۵، ص ۷۹-۱۱۳.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، *مجمع البحرين*، مکتبه المرتضویه.
۲۷. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹)، «کارکرد اقتصادی دین اسلام، مطالعه موردی تولید»، *قبسات*، ش ۷۰، ص ۲۷-۵۰.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامية)*، جلد ۸، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد (۱۴۰۹ق)، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۳، *ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی*، کد موضوعی: ۲۲۰.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۱۱ جلد، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. میرمعزی، حسین (۱۳۸۷)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، *اقتصاد اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.
۳۴. موسویان، سید عباس (۱۳۷۸)، *بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۳۵. نمازی، حسین (۱۳۸۷)، *بحران کنونی اقتصاد غرب*، تهران: فرهنگستان علوم.
۳۶. نعیم آبادی، غلامعلی (۱۳۹۳)، *مبانی دینی اقتصاد مقاومتی*، سروش نعیم.

۳۷. واعظی، حسن (۱۳۷۹)، ایران و آمریکا (بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران):

تهران: سروش.

38. Briguglio, L. and Cordina, G., et al., (2006), **Conceptualizing and measuring economic resilience Building the economic resilience of small states**, Economics Department, University of Malta.

39. Briguglio, Lino and Cordina, Gordon, Farrugia, Nadia and Vella, Stephanie (2008), **Economic Vulnerability and Resilience Concepts and Measurements**, Economics Department, UNU-WIDER, Research Paper No. 55, p4

40. Cordina, Gordon, (2004), "**Economic Vulnerability and Economic Growth: Some Results from a Neo-Classical Growth Modelling Approach**", *Journal of Economic Development*, Vol. 29, PP.21-39.

41. Clinton, Hillary Rodham, (2014), **Hard Choices (disambiguation)**, *New York: Simon & Schuster*, part five: upheaval, Iran: sanctions and secrets.

42. Horwich, George et al., (2006), **Focus Economic Systems**, National Council on Economic Education.

43. Lopus, Jane s, (2013), **Students Handbook to Economics: Macroeconomics**, New York: Facts on File Inc.

44. Rosser, J. Barkley and M. V. Rosser, (2004), **Comparative Economics in Transforming World Economy**, 2ed ed., Cambridge, Massachusetts, London: MIT Press.